



Examining Legal Mechanisms for Guaranteeing International Investment

Ali Jokar

M.A. Student in Private Law, Kish International Campus, Islamic Azad University, Hormozgan, Iran

Maryam Afshari

Faculty Member, International Law Department, Damavand Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

One of the ways developing or third-world countries secure financing is by attracting foreign investment. This research aims to examine legal mechanisms for guaranteeing international investment, with an emphasis on stabilization clauses and commitment provisions. The study is descriptive-analytical in nature and has been conducted using the note-taking method from library sources. In addressing the research question - whether the commitment provision, as a legal mechanism to guarantee the stabilization clause in private contracts, is accepted in the international community to secure foreign investment - it must be stated that foreign investment contracts between states and foreign nationals are, in principle, considered private contracts. From the perspective of investors and their home states, subjecting these contracts to domestic legal oversight gives host governments leeway to interfere in them. Thus, the acceptance of stabilization clauses and commitment provisions as a legal principle remains questionable and can only partially guarantee investment protection. Moreover, the basis of a state's international responsibility is not the contract itself but rather its obligation under an international treaty to protect investments.

Keywords: International Investment, Stabilization Clause, Commitment Provisions, Sustainable Development





بررسی راهکارهای حقوقی تضمین سرمایه گذاری بین المللی

علی جوکار

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، هرمزگان، ایران.

مریم افشاری

عضو هیئت علمی گروه حقوق بین الملل، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

یکی از راه‌های تأمین اعتبار کشورهای در حال توسعه یا جهان سوم، جذب سرمایه خارجی است. این پژوهش با هدف بررسی شناخت راهکارهای حقوقی تضمین سرمایه‌گذاری بین‌المللی با تأکید بر شروط ثبات و التزام است. این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی و با روش فیش‌برداری از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در ادامه در پاسخ به این سؤال تحقیق که آیا شرط التزام به عنوان راهکار حقوقی تضمین شرط ثبات قراردادهای خصوصی در جامعه بین‌المللی برای تضمین سرمایه‌گذاری خارجی، پذیرفته شده است؟ باید بیان کرد که قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی بین دولت‌ها و اشخاص بیگانه، علی‌الاصول قراردادهای خصوصی محسوب می‌شوند. به‌زعم سرمایه‌گذاران و دولت‌های متبوع آنان، نظارت حقوق داخلی بر این قراردادها دست دولت را در دخالت در آن‌ها باز می‌گذارد؛ بنابراین پذیرش شروط ثبات و التزام به عنوان یک اصل قانونی مورد تردید و به‌صورت نسبی می‌تواند ضامن سرمایه‌گذاری باشد و هنوز مبنای مسئولیت بین‌المللی دولت، قرارداد نیست بلکه تعهد دولت در یک معاهده بین‌المللی، حمایت از سرمایه‌گذاری است.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌گذاری بین‌المللی، شرط ثبات، التزام، توسعه پایدار.





مقدمه

رشد و توسعه پایدار اوضاع اقتصادی نیازمند تأمین اعتبار است. یکی از راه‌های تأمین اعتبار کشورهای در حال توسعه یا جهان سوم، جذب سرمایه خارجی است (عمادزاده، ۱۳۸۶: ۲۳-۳۷). بر این اساس، جبران عقب‌ماندگی و دستیابی به توسعه پایدار، درگرو تعامل دو گروه سرمایه‌پذیر و سرمایه‌گذار است. از یک‌سو دولت میزبان با جذب سرمایه خارجی، اقتصاد داخلی را شکوفا می‌سازد و از سوی سرمایه‌گذار به دنبال مکانی امن و درصدد بهره‌جویی از فرصت‌هایی با بازده بیش‌تر برای سرمایه‌گذاری است. تسریع در ورود سرمایه‌گذاری، با تضمین امنیت سرمایه‌گذاری و حمایت قانونی از سرمایه‌گذار، می‌تواند منافع متقابل کشورهای میزبان و سرمایه‌گذاران بین‌المللی را تأمین کند (Slater, 2001: 122-135). چنانچه تضمینات لازم در حمایت از سرمایه‌گذاری، مبنایی حقوقی داشته باشد، به محض بروز اختلاف یا تعرض، از طریق اعمال قانون، می‌توان نگرانی‌های موجود را برطرف کرد و یا به حداقل رساند. محدودیت‌ها و تغییرات ناگهانی مقررات دولتی، بی‌ثباتی سیاسی مانند جنگ، کودتا و غیره همگی موجب ناامنی محیط سرمایه‌گذاری و در نتیجه عدم استقبال سرمایه‌گذار خارجی را می‌شود. برای تسهیل شرایط موجود به منظور ترغیب سرمایه‌گذار خارجی، ضروری است تا دولت‌های میزبان با ایجاد محیط اقتصادی مطمئن و باثبات و تضمین سرمایه‌گذاران در مقابل خطر سلب مالکیت و بازگشت سرمایه، تضمین‌های لازم را بدهند. در دهه‌های اخیر حمایت و تضمین از سرمایه خارجی با اعمال شروطی، هم در قالب قراردادهای بین‌المللی و هم در قالب معاهدات بین‌المللی صورت گرفته است. گسترش انعقاد چنین توافقاتی، نشان‌دهنده اهمیت آن در نزد جامعه بین‌المللی است و فلسفه انعقاد، تعهد به حمایت از سرمایه‌ای است که بر اساس آن معاهده، جذب می‌شود. اگرچه معاهده جریان دوطرفه سرمایه‌گذاری میان کشورهای عضو را مدنظر دارد، اما در عمل نشان داد حامی سرمایه‌گذار است.

امروزه درصد قابل ملاحظه‌ای از معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری حاوی شرط التزام برای تضمین شرط ثبات در قراردادها هستند (جهانخانی، ۱۳۹۳: ۲۴۲). سرمایه‌گذاران خارجی با چنین شروطی سعی دارند تا قوانین ملی و صلاحیت محاکم قضایی دولت میزبان را در ارتباط با تعهدات فی‌مابین محدود کنند. ماهیت شرط ثبات بدین گونه است که دولت حق تغییر در قوانین و مقررات را در آینده نداشته یا دولت حق قانون‌گذاری در این خصوص که منجر به تغییر قرارداد شود را ندارد. شرط التزام نیز



کشور میزبان را به رعایت کلیه تعهداتی که در قبال سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران به عهده گرفته است، ملزم و منافع سرمایه‌گذار را تضمین می‌کند.

سؤال پژوهش حاضر این است که آیا شرط التزام به عنوان راهکار حقوقی تضمین شرط ثبات قراردادهای خصوصی در جامعه بین‌المللی برای تضمین سرمایه‌گذاری خارجی، پذیرفته شده است یا خیر؟ هدف کلی پژوهش، شناخت راهکارهای حقوقی تضمین سرمایه‌گذاری بین‌المللی با تأکید بر شروط ثبات و التزام است. در بیان ضرورت تحقیق همین بس که در هر توافق یا قراردادی اولین موضوع مورد بحث، ضمانت اجرای اطراف معاهده است. این موضوع در توافقات سرمایه‌گذاری بین‌المللی پیچیده‌تر است. سرمایه‌گذار برای اخذ تصمیم در سرمایه‌گذاری، نیازمند بررسی میزان منافع حاصل از سرمایه‌گذاری و مهم‌تر از آن اطمینان از عدم تعرض دولت میزبان به حقوق وی در زمان اجرای طرح است. به عبارتی شرط مهم‌تر در موافقت سرمایه‌گذار برای سرمایه‌گذاری، ساختار سیاسی، نظم سازمانی، امنیت و ثبات اقتصادی دولت میزبان است. در مقابل دولت میزبان دلایل خود را برای محدودیت سرمایه‌گذار در خلال انجام عملیات اجرایی دارد.

بنابراین جهت اتخاذ راهکار عملی با هدف تسریع جریان سرمایه‌گذاری خارجی علاوه بر توجه به تعامل صحیح کشورهای سرمایه‌پذیر با سرمایه‌گذاران در نظام بین‌الملل، ضرورت اصلاح عوامل داخلی تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری از جمله اصلاح قوانین و ثبات سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر است (Andreas, 2015: 68-80). از این منظر بررسی مبانی رفتاری و شرایط محیط حقوقی شامل قوانین، امنیت اقتصادی و سیاسی در سرمایه‌گذاری خارجی، می‌تواند سودمند باشد و در ارائه راهکارهای حقوقی با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی کمک کند. با همین نگرش ضرورت تحقیق در خصوص راهکارهای حقوقی تضمین سرمایه‌گذاری بین‌المللی احساس می‌شود و تلاش در برقراری رویه‌ای واحد با الزام قانونی در حمایت و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، نشان از اهمیت آن است.

پژوهش حاضر از نوع اسنادی و توصیفی مبتنی بر شواهد برگرفته از مطالعه اسناد، کتب، قوانین و مقررات، مقالات و اینترنت و ابزار جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای است. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند مورد استفاده حاکمیت، تصمیم‌گیرندگان بازار سرمایه، سرمایه‌گذاران داخلی و مدیران شرکت‌ها قرار گیرد.



۱. پیشینه پژوهش

در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی مطالعات مختلفی انجام شده که بیش‌تر به بیان دیدگاه‌های اقتصادی پرداخته و البته در مطالعات معدودی به نقش شروط ثبات و التزام بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی توجه شده است. به اختصار برخی از مطالعات اخیر را ذکر می‌گردد:

عباسی، ۱۳۹۲ با مطالعه تطبیقی در زمینه تضمین سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، کامل نبودن قواعد ماهوی حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه حمایت از حقوق سرمایه‌گذار خارجی را، موجب پدیدار شدن جنبش عظیمی در بین دول توسعه‌یافته و در حال توسعه، برای انعقاد عهدنامه‌های دوجانبه و چندجانبه سرمایه‌گذاری می‌داند.

ریاحی، ۱۳۹۶ در مطالعه‌ای ایجاد اطمینان نزد سرمایه‌گذار را بر شمرده و به بررسی نقش دولت در زمینه سرمایه‌گذاری خارجی، مخاطرات اقتصادی و سیاسی پیش روی سرمایه‌گذار، لزوم قوانین مدون در رابطه مستقیم با سرمایه‌گذاری خارجی و ضرورت بازنگری قوانین داخلی مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی پرداخت.

رضا نژاد، ۱۳۹۱ با موضوع «بررسی وضعیت حقوقی شرط ثبات در قراردادهای دولت با اتباع بیگانه» ضمن تشریح دیدگاه‌های مختلف راجع به شرط ثبات به ارزیابی استدلال‌های مطرح شده پرداخت و اعتبار شرط ثبات را در سه حوزه نظام‌های حقوق داخلی، رویه بین‌المللی و دکترین حقوقی و آثار آن بر قانون حاکم بر قرارداد و در نهایت مسئولیت بین‌المللی و ضابطه غرامت را مورد بررسی قرارداد و نتیجه‌گیری کرد که دیدگاه نوین اعتبار نسبی شرط ثبات اگرچه با اصول و ضوابط حقوق بین‌الملل، اسناد و قطعنامه‌های سازمان ملل سازگارتر است، با این وجود موجب مسئولیت بین‌المللی دولت نمی‌شود بلکه تنها اثر آن پرداخت غرامت است.

پیران، ۱۳۸۸ در مقاله‌ای با «عنوان شرط التزام در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری»، با بررسی شرط التزام و رویه قضایی بین‌المللی ذی‌ربط و همچنین معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری ایران که حاوی چنین شرطی است، نتیجه‌گیری می‌کند که قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی میان دولت‌ها و اشخاص بیگانه، خواه از نوع امتیاز و خواه از انواع دیگر، علی‌الاصول قراردادهای خصوصی محسوب می‌شوند.

السان مصطفی، ۱۳۹۷ با ترجمه مقاله‌ای از مارگاریتا تی. بی. کول با عنوان «شروط ثبات در معاملات نفتی بین‌المللی» رویکرد شرکت‌های نفتی در مقابل خطرات ناشی از اعمال حاکمیت دولت

میزبان را تشریح و بر استفاده از شرط ثبات در جهت حمایت از منافع شرکت نفت بین‌المللی تأکید و در بخشی دیگر انواع شروط ثبات را تبیین کردند.

۲. تحلیل داده‌ها

تأمین اعتبارات مالی مناسب برای اداره امور زیر بنایی و کلان و همچنین زیرساخت‌های کشور، از اهمیت ویژه برخوردار است. یکی از مطلوب‌ترین و کارآمدترین شیوه‌های دستیابی به این مهم، جذب سرمایه‌گذار خارجی است. اما برخلاف آنچه به‌ظاهر تداعی می‌شود؛ مشکل جذب سرمایه‌گذاری نیست بلکه فقدان اعتماد سرمایه‌گذار نسبت به شرایط میزبان است که همواره مورد بحث بوده است (Harris, 2009: 95). زیرا سرمایه‌گذار از بازگشت سرمایه و نیز درآمد احتمالی اطمینان ندارد. از این‌رو همواره کشورهای توسعه‌یافته در جهت التزام دولت‌های سرمایه‌پذیر برای ثبات قراردادهای از طریق درج شرط التزام در معاهدات به‌منظور تضمین شرط ثبات در قراردادهای تلاش کرده‌اند. برای کارآمدی نظام سرمایه‌گذاری خارجی، توافق و تعامل کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و یا کمتر توسعه‌یافته با در نظر گرفتن کلیه ملاحظات اقتصادی و حقوقی توأم با تأمین یک فضای سیاسی مطمئن و باثبات به‌منظور اتخاذ یک راهکار جهانی ضروری است. کشورهای سرمایه‌پذیر به‌عنوان ابزار توسعه، می‌توانند نقش مؤثری را در تأمین بستر مناسب و مطمئن ایفا کنند. اعتمادسازی مؤثر و سازنده در جذب سرمایه‌های خارجی نیز نیازمند تجدیدنظر و تغییر رویه و دیدگاه‌ها در بسیاری از زمینه‌های موجود و مطرح در کشور میزبان است، به‌ویژه آن‌که در کشوری، عمده صنایع مهم در انحصار کامل دولت است و هرگونه تحول و حرکت در زمینه این صنایع بسته به نگرش و عملکرد دولتمردان خواهد بود. تلاش سرمایه‌گذاران بین‌المللی و کشورهای متبوع‌شان برای محدود کردن دولت‌ها در اعمال سیاست‌های حکومتی و خروج سرمایه‌گذاری خارجی از نظارت حقوق داخلی از ابتدای پیدایش پدیده سرمایه‌گذاری خارجی تاکنون تداوم داشته است.

قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی بین دولت‌ها و اشخاص بیگانه، علی‌الاصول قراردادهای خصوصی محسوب می‌شوند. به‌زعم سرمایه‌گذاران و دولت‌های متبوع آنان، نظارت حقوق داخلی بر این قراردادها دست دولت را در دخالت در آن‌ها باز می‌گذارد؛ زیرا دولت‌ها همواره قادر هستند با وضع قانون جدید، ثبات سرمایه‌گذاری و قراردادهای ذی‌ربط را متزلزل کرده، علائق و منافع سرمایه‌گذاران را نادیده بگیرند. بنابراین کشورهای توسعه‌یافته به دنبال یافتن راهی برای محدودیت قدرت دولت



میزبان در حوزه قراردادی هستند. این کشورها به واسطه درج شرط التزام در معاهدات سعی دارند تا ثبات قرارداد را تضمین کنند. به عبارتی به دنبال تحکم شرط ثبات مندرج در قرارداد به واسطه درج شرط التزام در معاهده هستند. سرمایه‌گذار خارجی می‌تواند به موجب شرط التزام در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، نقض قرارداد را نزد دادگاه داوری بین‌المللی طرح کند. مکانیسم قراردادی شرط ثبات به عنوان یکی از مهم‌ترین تضمین‌های حقوقی ثبات قراردادی باقی‌مانده است و سرمایه‌گذاران آن را به مکانیسم قانونی ترجیح داده‌اند. تا زمانی که اعتبار حقوقی شرط ثبات باید تصدیق شود، اثر حقوقی آن با ملاحظه منافع عمومی می‌تواند تقلیل یابد. تثبیت کارکرد شرط ثبات معلق و قابل بحث باقی ماند، زیرا اعتبار حقوقی شرط تابع محدودیت‌های قانون‌گذاری ناشی از قانون اساسی دولت میزبان و ملاحظات مهم سیاست‌های عمومی است. گرچه ارزش حمایتی ثبات به عنوان وسیله امنیت سرمایه‌گذاری مورد اختلاف است ولی نقش تبلیغاتی آن در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و نقش کاربردی آن در تقویت فرهنگ حقوقی در ارتباط با مالکیت و تعهد قراردادی به درستی تأیید شد.

به نظر می‌رسد شرط ثبات به عنوان ابزار پیشرفت، انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری خارجی را ایجاد می‌کند. تاریخچه شروط ثبات نشان می‌دهد که این شروط به لحاظ شکل و محتوا دستخوش تحولات قابل توجهی شده‌اند. این تغییرات نه به موجب انتظارات طرفین بلکه شرایط سرمایه‌گذاری این‌گونه ایجاب کرد. آنچه در راستای ارائه راهکارها در جهت جذب هر چه بیش‌تر سرمایه‌گذاری خارجی مهم به نظر می‌رسد، پذیرش اهمیت تغییرات اساسی از سوی سیاست‌گذاران این بخش است (Stoian, 2008: 341-367). فرایند جهانی‌شدن یادآور نقش دولت‌ها صرفاً به عنوان قانون‌گذار نه به عنوان شریک اصلی سرمایه‌گذار خارجی در این حوزه مهم است. بنابراین ضروری است فرآیند سرمایه‌گذاری پس از اعمال سیاست و قانون از سوی دولت، به بازار سرمایه واگذار شود.

در جهت عملی کردن این تغییر و تحولات و همسوس شدن سیر جهانی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی لازم است در جهت حذف یا اصلاح موانع قانونی و حقوقی برآیند. این امر مستلزم این است که مواردی مثل تأمین امنیت قضایی در کشور، اجرای سیاست آزادسازی و خصوصی‌سازی با حضور سرمایه‌گذاران خارجی در جهت جلب اعتماد آنان، اصلاح قوانین کار و قوانین مرتبط با آن، تفسیر رسمی از اصول مورد بحث قانون اساسی، ایجاد مؤسسات بیمه‌ای و تأمین قوانین متناسب با

استانداردهای روز جهانی، ایجاد قانون مناسب در زمینه بورس و بازار سرمایه و مواردی از این دست، رفع موانع قانونی در زمینه حقوق مالکیت فکری انجام شود.

برخی از موانع جذب سرمایه‌گذاری خارجی عبارت‌اند از:

فقدان یک نظام منسجم و هماهنگ قانونی: جلب سرمایه‌های خارجی، از یک نظام قانونمند متناسب با توسعه در بازار برخوردار نبوده و با تحولات اقتصادی و با الزام‌های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه هماهنگی ندارد. به‌طور مثال، بازارهای سرمایه‌ای از لحاظ بیمه‌های اتکایی کاملاً ابتدایی بوده و از بستر و ساختار لازم برای توسعه برخوردار نیستند. لذا، لازم است قوانین پراکنده و ناقص در مجموعه‌ای منسجم و هماهنگ، بازنگری و شفاف گردد.

مسائل قراردادی: در چارچوب قراردادهای منعقد نیز مسائل و مشکلاتی بروز می‌کند. یکی از این مسائل، تخمین نرخ بازدهی پروژه‌های سرمایه‌گذاری (به‌خصوص از نوع جبرانی) است. تخمین این نرخ، کار ساده‌ای نیست و میزان منطقی آن از یک طرف بستگی مستقیم به میزان ریسکی دارد که سرمایه‌گذار تقبل کرده و از طرف دیگر بستگی به سطح استفاده‌ای دارد که دولت میزبان از آن برخوردار می‌شود. در مورد اخذ وام‌های جانبی نیز مسائل و مشکلاتی بروز می‌کند. در بعضی پروژه‌ها که طرف سرمایه‌گذاری برای تأمین مالی قسمتی از منابع، نیاز به اخذ وام دارد، دولت کشور میزبان مستقیماً ضمانتی را در قبال این وام‌ها تقبل نمی‌کند، ولی در مواقع خاصی وجود ضمانت‌هایی لازم به نظر می‌رسد. یکی از این حالات، زمانی است که یکی از مؤسسات دولتی با شرکت صاحب طرح وارد معامله می‌شود (به‌عنوان مثال، فروش مواد سوختنی در یک قرارداد بلندمدت)؛ بنابراین، ضمانت دولت میزبان در مورد ارزهای خارجی ضروری به نظر می‌رسد.

محدودیت‌های قانونی: مواردی نظیر عدم آزادی انتخاب قانون حاکم بر قرارداد - به‌عنوان مثال هنگامی که قرارداد میان یک ایرانی و یک خارجی منعقد می‌شود - مطرح است (ماده ۹۶۸ قانون مدنی). آزادی انتخاب شیوه حل و فصل اختلاف و ارجاع به داوری که آن‌هم با توجه به اصل ۱۳۹ قانون اساسی ایران، هنگامی که دولت طرف قرارداد باشد با محدودیت‌هایی روبه‌رو است و امکان اشتغال اتباع بیگانه از زمره محدودیت‌هایی است که در خصوص جلب سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد. البته لازم به توضیح است که طراحی قراردادهای سرمایه‌گذاری (در روش‌های جبرانی) نیز از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. معمولاً با توجه به زمان اجرای و پیچیدگی قراردادهای پیش‌بینی



کلیه مسائل در ابتدای کار امکان‌پذیر نبوده و اغلب در طول دوره اجرای قرارداد، نیاز به انعقاد قراردادهای جدید می‌باشد. گسترش معاهدات دو یا چندجانبه سرمایه‌گذاری با کشورهای هم‌سو از جهت سیاست‌گذاری تحت چارچوبی درست و مطالعه یافته و نیز اعمال معافیت مالیاتی در مورد تولیدات شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی، اعطای پوشش‌های بیمه‌ای سرمایه‌گذاران، اعطای معافیت‌های گمرکی در مورد واردات مایحتاج موردنیاز شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی، گسترش و بهینه‌سازی مناطق آزاد برای سرمایه‌گذاری، اعطای خدمات عمومی ارزان‌تر نظیر آب و برق، تضمین برگشت سود و اصل سرمایه و جلوگیری از مصادره و ملی کردن آن‌ها می‌تواند منجر به ایجاد فضایی جهت ترغیب سرمایه‌گذاران خارجی به منظور سرمایه‌گذاری در ایران شود.

نارسایی قوانین موجود در این زمینه، عدم پذیرش قوانین بین‌المللی، تفاسیر متناقض از اصول قانون و اختلافات اساسی در جهت‌گیری اقتصادی و سیاسی در این باب از مهم‌ترین موانع محسوب می‌شوند. به عنوان راه حل عملی می‌توان بین‌المللی کردن قرارداد را با حاکمیت معاهدات پیشنهاد کرد که از این منظر اصل کلی که دولت نمی‌تواند با تکیه بر حقوق داخلی نقض تعهدات بین‌المللی خود را توجیه کند، قوام می‌یابد؛ زیرا به موجب حقوق بین‌الملل، چنانچه دولتی تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی را نقض کند، به موجب مسئولیت بین‌المللی متعهد خواهد بود و اعمال حقوق داخلی نیز برای چنین نقضی قابل دفاع نیست. با خروج قرارداد از تنگناهای حقوق داخلی تا حدودی نابرابری‌های موجود کاهش و یا به حداقل می‌رسد.

با ارجاع قرارداد به داوری به منزله ابزاری ضروری در ایجاد ثبات چارچوب قانونی می‌توان به شناسایی و اعمال قوانین قابل اجرا در قرارداد همت گمارد و خشتی‌سازی قدرت اداری و قضایی دولت میزبان را در پی داشت. زیرا این نوع احکام ممکن است مطابق معاهدات بین‌المللی لازم‌الاجرا باشند (برای مثال کنوانسیون نیویورک در شناسایی و اجرای احکام داوری بین‌المللی).

علاوه بر خصیصه بین‌المللی، به واسطه جلوگیری از تغییرات یک‌جانبه یا تغییر قانونی که مستقیماً مؤثر بر روح قرارداد است و نیز انجماد قانون و حفظ وضعیت اقتصادی موجود در زمان انعقاد قرارداد می‌توان به تثبیت قرارداد امیدوار بود. همان‌گونه که قبلاً گفته شد دولت می‌تواند با استفاده از برخی امتیازات تغییر یک‌جانبه در محیط قانونی قرارداد اعمال کند؛ لذا شرط ثبات برای جلوگیری از چنین اقدام یک‌جانبه پیش‌بینی می‌شود. البته ضروری است که سرمایه‌گذاران قبل از هر اقدامی باید ساختار سرمایه‌گذاری دولت میزبان را شناسایی کنند و مطابق با ساختار موجود در قالب



معاهدات دوجانبه اقدام به سرمایه‌گذاری کنند تا در صورت لزوم از حمایت‌هایی موجود بهره‌مند شوند. معاهدات سرمایه‌گذاری دوجانبه عموماً برای داوری تهیه می‌شوند تا ضمانت اجرای چنین تضمینی باشند.

به‌عنوان آخرین سخن و در پاسخ به سؤال‌های پژوهش حاضر، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد؛ قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی بین دولت‌ها و اشخاص بیگانه، علی‌الاصول قراردادهای خصوصی محسوب می‌شوند. به‌زعم سرمایه‌گذاران و دولت‌های متبوع آنان، نظارت حقوق داخلی بر این قراردادها دست دولت را در دخالت در آن‌ها باز می‌گذارد؛ بنابراین پذیرش شروط ثبات و التزام به‌عنوان یک اصل قانونی موردتردید و به‌صورت نسبی می‌تواند ضامن سرمایه‌گذاری باشد و هنوز مبنای مسئولیت بین‌المللی دولت، قرارداد نیست بلکه تعهد دولت در یک معاهده بین‌المللی، حمایت از سرمایه‌گذاری است.



فهرست منابع

- پیران، حسین (۱۳۸۸). *شرط التزام در معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری*. مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۰ (۲): ۲۳-۳۹.
- جهانخانی، علی (۱۳۹۳). *مدیریت سرمایه‌گذاری*، انتشارات دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
- رضا نژاد، ابوالقاسم (۱۳۹۱). *بررسی وضعیت حقوقی شرط ثبات در قراردادهای دولت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق، ۱۳۷ صفحه.
- ریاحی، غلامرضا (۱۳۹۶). *قواعد حاکم بر جلب سرمایه‌گذاری خارجی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشگاه تهران مجتمع آموزش عالی قم، ۹۵ صفحه.
- السان، مصطفی و رضایی، علی (۱۳۹۷). *شروط ثبات در معاملات نفتی*. مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۷ (۳): ۲۹-۱۸.
- عباسی، محمد (۱۳۹۲). *بررسی موانع سرمایه‌گذاری در منطقه ویژه اقتصادی سلفچگان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، ۱۱۰ صفحه.
- عمادزاده، محمد؛ عبازاده، مجید؛ برجی دولت‌آباد، رضا (۱۳۸۶). *موانع حقوقی جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی*، جمله سیاسی اقتصادی شماره ۴۰ (۲): ۲۳-۳۷.



References

- Andreas, F. Lowenfeld, G. (2009). "The ICSID Convention: Origins and Transformation", vol. 38(4): 68-80.
- Harris, C. (2003). "Private Participation in Infrastructure in Developing Countries: Trends, Impacts, and Policy Lessons", World bank working paper 5, Washington DC, 95 p.
- Slater, J. and Ford, J. (2001). "FDI, Regional Economic Integration and Endogenous Growth, Some Evidence From Southeast Asia", Pacific Economic Review, VOL. 40 (4): 122-135.
- Stoian, C, Filippaios, F. (2008). "Dunning's eclectic paradigm: a holistic, yet context specific framework for analysing the determinants of outward FDI Evidence from investment Greek investment". International Business review 17(3): 341-367.
- Yasin, M. (2005). "Official Development Assistance and Foreign Direct Investment Flows to Sub-Saharan Africa", African Development bank, 84 p

